سرمقاله

زمینه های رشد طالبان

محمدرضا هویدا

سیر تحول طالبان تا گروهی که حاکمیت افغانستان را برای چند سال در اختیار داشتند و از آن زمان تا سقوط حاکمیت شان با حمله نیروهای ناتو و مجاهدین و نابودی این گروه، و در نهایت رشد و تقویت دوباره این گروه در زمان حاکمیت دولت های انتخابی افغانستان و حضور قوی جامعه بین المللی، تاریخی دراز و پر از نکته دارد.

شکی در این نیست که تهدیدهای طالبان در یک سال اخیر جدی تر شده و خطر آن در مقابل دولت و مردم افغانستان بیشتر شده است. طالبان عملیات های سنگین و قوی ای را علیه دولت و مردم افغانستان به راه انداختند و توانستند قدرت خود را به رخ دولتمردان و افکار عامه در جهان بکشانند. حمله بر زندان غزنی، تصرف کندز، حملات انتحاری در چندین جای کابل از جمله حمله شاه شهید، حمله بر هلمند و درگیری های دوامدار در این ولایات، ناامنی سازی راههای مواصلاتی و محاکمه های صحرایی و اعدام ها و سنگسارها، در بسیاری از مناطق کشور از جمله مواردی بوده اند که طالبان توانسته اند، در حد اقل یک سال اخیر انجام بدهند و دولت و مردم را به چالش بکشانند.

برای درک بهتر موضوع رشد طالبان و تبدیل شدن آنها از یک گروه کاملا شکست خورده پس از حملات ناتو و امریکا، به گروهی که برای صلح با دولت ناز می کند و حاضر نیست تن به مذاکره و مصالحه بدهد، و به کمتر از تسلط دولت فکر نمی کند، باید به چند عامل توجه کرد.

اولین عامل دولت است. دولت افغانستان با در پیش گرفتن برنامه هایی که نه مستقیما، بلکه به صورت غیر مستقیم، به رشد گروه طالبان منجر می شد، اقدام کرد. برنامه هایی که تحت عنوان حمایت از بازگشت طالبان و ... به صورت مستمر توسط دولت تمویل و تجهیز می شد، نتیجه ای جز بازگشت طالبان به صحنه جنگ نداشت. این برنامه ها اولا باعث شد تا طالبان بتوانند با خاطری آرام به افغانستان برگردند و ثانیا سنگینی حملات نظامی بر طالبان را کم کرد و سبب شد تا طالبان تحت عنوان بازگشت به زندگی صلح آمیز مصونیت لازم را پیدا کنند. دولت همین گونه، مسئله صلح را طرح کرد. مسئله ای که برای مردم افغانستان واقعا گران تمام شد. برنامه صلحی که از طرف دولت افغانستان طراحی شد، از ابتدا تا کنون نه قاعده و قانونی داشته است و نه تعریف و حد و حدودی. این صلح میلیون ها دالر را به کام خود کشید و حاصلش جز تقویت طالبان چیزی نبود. بازیگران برنامه صلح نیز به کسی پاسخگو نبوده اند. صلح باعث شد تا شماری از طالبان از زندان ها آزاد شوند، به طالبان مشروعیت داده شود، دولت برای کشانیدن طالبان به میز مذاکره امتیاز بدهد، امتیازها نیز روز به روز بیشتر شود. نتیجه این بازی صلح قدرت گیری طالبان بود.

عامل دیگر، ناهماهنگی ها و بی برنامگی های جامعه جهانی است. کشورهایی که در جنگ افغانستان حاضر بوده اند نه میان خود برنامه ای منسجمی داشته اند، و نه (همانند دولت افغانستان) تعریف مشخصی از دوست و دشمن داشته اند و نه هماهنگی لازم با دولت افغانستان. این کشورها در ناهماهنگی کامل به سر برده اند. سیر حضور جامعه جهانی در جنگ علیه طالبان تا خروج آنها از افغانستان این مدعا را کاملا تایید می کند.

عامل دیگر، زمینه های حضور تفکر افراطی و تندروانه در افغانستان و در میان بخش هایی از مردم کشور است. این تفکر زمینه حضور هر نوع افراط گرایی را در می تواند به وجود بیاورد. این زمینه سبب شده تا طالبان بتوانند از میان مردم سربازگیری کنند، بتوانند بر دولت فشار وارد کنند و بتوانند سالها در کشور حضور داشته باشند.

دولت افغانستان باید برای مبارزه با طالبان به عوامل حضور و نفوذ طالبان توجه داشته باشد، خود تعریف مشخصی از طالبان داشته باشد، برنامه هایی که طالبان را تقویت می کند را لغو کند، با کشورهای دوست خود هماهنگی لازم را داشته باشد و زمینه های افراط گرایی را در سطوح مختلف از بین ببرد.

امریکا و افغانستان از منظر سفر وزیر دفاع امریکا

نویسنده: لکسینگتون/ مترجم: جانعلی شکرعلیزاده/ منبع: اکونومیست

در داخل باغی محصور به دیوارهای خاکی و بلند و پر از نگهبانان در اطراف باغ سربازان امریکایی و غیرنظامیان با کلاه های فرنگی آبی رنگ با گروهی از دختران جوان افغان که در حال ساختن دستبند هستند در حال قدم زدن و صحبت با یکدیگرند، ظاهرا ساخت دستبندها مانند سایر پروژه ها با کمک نهادهای خارجی صورت گرفته است، این صحنه در مقر ناتو در کابل کافی است که ترامپ را به هیجان بیاورد. او بارها از حضور نظامیان امریکا در افغانستان اظهار ناخشنودی نموده است. اما ترامپ می بایست برای افغانستان استرتیژی دراز مدتی را طرح نماید. او در کمپین های اخیر خود در کارولینای شمالی در بین هوادارانش گفت که ملت سازی در بیرون از امریکا را خاتمه می دهم. پول ها را در ساختن سرک ها، پل ها و میدان های هوایی در داخل امریکا مصرف می کنیم. او شکوه کنان ادامه داد به نظر می رسد که در جنگ جهانی سوم به سر می بریم این وحشتناک است.

ترامپ این مرد با مهارت در داستان سرایی، به مردم داستان کشور قدرتمندی را می گوید که با تروریسم از افغانستان تا عراق در حال جنگیدن است و بعد از پانزده سال همچنان بدون دست آورد مثبتی به جنگ ادامه می دهد. داستان او شامل رهبران بی اندیشه و ساده ای است که به جای اینکه تمرکز روی از بین بردن ریشه دولت اسلامی یا همان داعش و سایر افراطی های متعصب شود بطور احمقانه ای در دام دیکتاتورهای خارجی افتاده است، رژیم هایی که هیچ شناختی از آنها نداریم و نباید با آنها درگیر می شدیم، تقریبا پنجاه روز به مراسم تحلیف ریاست جمهوری ترامپ مانده، لکسینگتون خودش را در قلب مرکز فرماندهی به شدت محافظت شده در حال تماشای دختران خنده رو یافت که دستبند های بافته شده در دست و در حال بازی منچ مار و نردبان بودند، تعدادی با شلوارها و کت های نظامی با آستین های بلند خرامان راه می رفتند و کلاه های بیسبال آبی در سرهایشان ، هنگامی که مرد تنومندی با کارتن بیسکویت مارک انیمال کراکر تازه که از امریکا رسیده بود وارد شد لحظه ای بود که فکر کرد رسالت ملت سازی که ترامپ از آن نام برده بود تکمیل شده است.

لکسینگتون در کابل ۲۵،۰۰۰ مایل دورتر در هفتمین روز از تور جهانی خدا حافظی دوهفته ای وزارت دفاع امریکا اشتون کارتر همراه اوست. در بزرگترین و طولانی ترین پرواز وزیر دفاع، طیاره نظامی بویینگ ۷۴۷ آشتون کارتر در پایگاه هوایی بگرام بیرون از شهر پارک شده است. ما بلافاصله به هلیکوپتر شنوک داخل شدیم، زمانی که منتظر کنفرانس خبری کوتاه بودیم، لکسینگتون در باغی که سربازان ناتو برای استراحت از آنجا استفاده می کنند قدم میزد، بطرف سرباز پیش آهنگ رفت، پیشتر، پیشاهنگان مسلط به انگلیسی با نشانه های کلمه افغانستان روی شانه هایشان را دید.

هر تازه واردی که به اینجا برسد حضور ۱۴۰،۰۰۰ سرباز را که در این کشور مستقر بودند به یاد می آورد، مبالغ هنگفتی برای ساخت سرک، مکتب، چاه ها و زمین های بازی در شهرها و روستاهای دور از کابل به مصرف رسیده است تا فکرها و قلب های مردم را بدست آورد. سیاست مداران اهمیت کمک های خارجی به افغانستان را در رفتن دختران به مکتب استناد می کنند و آن را بخشی از تعهد اخلاقی شان در جنگ با طالبان می دانند. اما از ظواهر نمی توان پی واقعیت ها برد ظواهر فریبنده است. چندین سوال آشکار ساخت که نه ناتو و نه دولت بابت ساخت این دستبند ها پولی مصرف نکرده است، این دستبندها در یک فعالیت داوطلبانه توسط نظامیان و غیرنظامیان در پایگاه در زمان تفریح شان ساخته شده بود آنهم روزهای صبح جمعه معمولا این فرصت را دارند. وقت های شبیه پایان هفته شان. خانم درجه دار نیروهای هوایی توجه مرا به خودش جلب کرد و گفت هدف ما این است که نسل جوان با نیروهای ایتلاف به هم تعامل داشته باشند و بدانند که مردان و زنانی که پشت این لباس های نظامی مخفی هستند هیولا نیستند آنها هم آدم هستند و احساس دارند و سپس با آهی گفت من دو فرزند دارم ۹ سال و ۳ ساله، دو ماه است که آنان را ندیدم و دیدن کودکان حس خوبی به آدم می دهد، سرباز دیگری توجه ما را به خود جلب کرد، گفت که در انگلستان یک گروه پیشاهنگ را اداره می کرده است و دلتنگ آن روز ها شده است، به همین صورت سربازان دیگری از کشورهای دیگر هم بودند مانند بلغاریا، رومانیا و گرجستان که هر کدام شان دلتنگ یاد خانه هایشان می شدند.

مقر ایتلاف را با چپرکت هایی که با گل تزیین شده بود و درختان بی ثمرش و سنگ هایی که به یادبود رفقای جان باخته نصب شده بودند ترک کردیم، به این فکر فرو رفتم که در حال جنگ با تروریسم هستیم و با کسانی که امریکا را با خطر روبرو می سازد می جنگیم. آقای ترامپ همیشه از اوباما به خاطر مصرف میلیارد ها دالر برای جنگیدن با داعش و ملت سازی انتقاد می کند.

به نظر می رسد ترامپ دو مشکل دارد اول اینکه درک درستی از اوضاع جهانی ندارد و دیگر اینکه مسایل پیچیده را ساده انگارانه می نگرد اوضاع به همین سادگی نیست که ترامپ می بیند. این گفته ترامپ درست است که مبالغ هنگفتی دزدی شده، اختلاس شده و یا در پروژه های ناخواسته به هدر رفته است یا آن پروژه ها مطابق اهداف پروژه پیش نرفته است و یا بدون به اتمام رساندن رها شده است یا خیلی زود از بین رفته است، حدود ۱۱۰ بیلیون دالر از کمک های امریکا بین سال های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۵ هیچ کمکی به ثبات اقتصادی این کشور نکرده است اما در طول این همه مدت امریکایی ها حضور داشتند و تمامی پروژه ها و پول ها زیر نظر امریکایی ها به مصرف رسیده است ما ناظر مصرف این پول ها در افغانستان بودیم.

در حال حاضر امریکایی ها ۸۴۰۰ سرباز را آنهم تا سال ۲۰۱۷ متعهد شده است که در افغانستان نگه دارد. در جولای امسال امریکا در نشست ورسای آغوش خود را به تمام متحدین اش برای ادامه تعهد و کمک به افغانستان گشود و حدود ۳۰ کشور متعهد شدند تا سال ۲۰۲۰ به افغانستان کمک مالی کنند. در اکتبر امسال دونرهای بین المللی در بروکسل تعهد دادند که ۱۵ میلیارد دالر را برای توسعه افغانستان به مصرف برسانند. هنوز سهم بزرگترین کمک کننده های توسعه اقتصادی، اصلاحات در دولت ، مبارزه با مواد مخدر و ارکان سازی و ملت سازی در افغانستان از شروع جنگ و تا حالا مربوط به متحدان ما مانند جرمنی ، ایتالیا و یا جاپان است.

برای هر خبرنگاری که دراوج جنگ به افغانستان سفر کرده باشد تعجب آور خواهد بود از اینکه بشنود اهداف امریکا در این کشور فقط به سیاست مبتنی بر زور و دفاع از مردم امریکا ختم شود. در یک مصاحبه ای در دهلی نو اشتون کارتر یک روز قبل از اینکه به کابل بیاید گفت هدف ما این است که ما می خواهیم مطمین شویم که حادثه ای مانند یازده سپتامبراز افغانستان برنامه ریزی نشود و برنامه مبارزه با تروریسم پایدار را در آنجا داشته باشیم. همین دو هدف را اشتون باز در کاخ ریاست جمهوری افغانستان وقتی کنار اشرف غنی نشسته بود تکرار کرد اشرف غنی کمی چپ چپ نگاه کرد این نشست برای قدردانی از موسسه هایی بود که در توسعه افغانستان نقش داشتند.

لکسینگتون در سال ۲۰۱۱ در کابل حضور داشت و شاهد ملاقات دیوید کامرون با حامد کرزی بود، کرزی در آن زمان با امریکایی ها در افتاده بود کرزی امریکایی ها را استعمارگر خواند. اشرف غنی آدم متفاوتی است او سابقا مردم شناس بوده وبه عنوان وزیر مالیه کار کرده است ، قلبا از امریکایی ها به خاطر اینکه جانشان را از دست دادند و پول های زیادی مصرف کردند تشکر کرد. این مراسم در قصر دوست داشتنی دلگشا که در سال ۱۹۱۴ با سقف بلند نقاشی شده ساخته شده بود برگزار شده بود ، خیلی آشنا نبود.

غنی از آقای کارتر و پنتاگون به خاطر متقاعد کردن اوباما برای باقی گذاشتن سربازان بیشتر و بر عهده گرفتن نقش اصلی و همچنین متقاعد کردن متحدین شان برای ماندن در افغانستان تشکر کرد، او گفت امریکا و متحدین اش کمک کرد که به جهانیان نشان دهد که افغانستان ارزش سرمایه گذاری را دارد. سپس غنی از خانم کارتر که در سفر او را همراهی می کرد نیز به خاطر تحمل ساعت ها صحبت های شوهرش و مسافرت های او ابتدا به زبان دری که برای خانم کارتر ترجمه شد تشکر کرد و سپس به انگلیسی گفت خانم کارتر، آقای کارتر زمان زیادی را در افغانستان و مسایل افغانستان سپری کرده است ما آن را فراموش نمی کنیم و ارزش آن بالاتر از طلاست. هر چند غنی بیشتر از اینها تملق گوی است، او مرد عاقل و با ذکاوت است، او رئیس جمهور کشوری است که پر از جنگ سالاران نفهم و قدرتمندان فاسد است، او برای بقایش به کمک خارجی ها نیاز دارد. تصور اینکه بدون گرفتن امنیت سرک ها و بستن جاده های پر از دیوار های سمنتی بلند نتوان از مقر ناتو به کاخ ریاست جمهوری رسید، سخت است. یک بالون هوایی مجهز به تکنالوژی پیشرفته بر فراز کاخ پرواز می کند و آسمان پر از صدای بلند هلیکوپتر های در حال پرواز هستند که از پایگاه بگرام به پرواز در امدند. در سال ۲۰۱۱ لکسینگتون با یک موتر زره به کاخ ریاست جمهوری امده بود، اما حالا آمد و شد بین مرکز کابل و بگرام از طریق هوا صورت می گیرد. چندین افسر در مقر ناتو گفتند ما هرگز پایمان را در سرک پایتخت نگذاشتیم دیگری گفت سال ها پیش ما بیرون می رفتیم از بازار خرید می کردیم و کلاه های معمولی بر سر داشتیم اما حالا اگربخواهیم برویم طبق گفته یکی مثل پلیس آهنی به نظر می آییم. آقای کارتر به مقامات عالیرتبه افغان و خبرنگاران خارجی در کاخ ریاست جمهوری گفت نیروهای امنیتی افغان سال ۲۰۱۶ آزمایش خود را دادند آنها توانستند که تهدیدات طالبان را که هدف شان به کنترل در آوردن مراکز ولایت ها است خنثی سازند. کارتر گفت، هستند کسانی که می گویند این شیوه ارزیابی نیروها ناامید کننده است. ۳۰ درصد کشور یا در کنترل طالبان است یا با تهدید طالبان روبروست یا در حال جنگ بر سر کنترل آن است. حتی جاهایی که خون سربازان امریکایی و بریتانیا و سایر متحدین در آنجا ریخته شده است در کنترل مخالفین است. در روستا های بزرگ هنوز طالبان نقش اساسی در اداره آن دارد. بعدا در بگرام جنرال جان مایک نیکلسون فرمانده نیروهای امریکا در افغانستان همچنان فرمانده ماموریت ناتو گفت در اکتوبر در یک روز همزمان چهار حمله به شهرهای افغانستان صورت گرفت که توسط نیروهای افغان دفع شد. او نام چندین تن از فرماندهان القاعده را گرفت که طی این درگیرها کشته شده بود در بعضی از این حملات، نیروهای ناتو ، نیروهای ایتلاف و نیروهای ضد تروریسم با نیروهای افغان همکاری یا مشاوره داشتند. اما وقتی که سوال شد آیا القاعده توانایی برنامه ریزی برای یک حمله به امریکا را دارد یا خیر؟ هیچ کسی نتوانست ضمانت بدهد که تهدید های تروریستی از بین رفته باشد. و نه کسی توانست بگوید که نیروهای امریکایی چه وقت افغانستان را ترک خواهند کرد.

آقای ترامپ گفته که جنگی که سال ۲۰۰۱ شروع شده هنوز ادامه دارد او راست می گوید به خاطر اینکه اوباما با فرماندهان خسته کننده اش ناسیونالیست های آزادی خواهی هستند که خواب های گرانی برای تبدیل کردن افغانستان به یک دموکراسی کامل جفرسونی داشتند. با ایدئولوژی برابری جنسیتی. در این ساعات پایانی اداره اوباما واقعیت این است که امریکا تمرکز در مبارزه با تروریسم دارد، بلند پروازی امریکا رفته رفته کمتر شد حتی به استخوان هدف اصلی نرسیده است بنابرین این جنگ ادامه دارد.

تهدید جهادگرایی در بنگلادش

نویسنده: جین لاک رسین/ مترجم: نگار علیپور /قسمت اول

اسلام‌گرایان بنگلادش که به دلیل مصالحه با پاکستان در طول جنگ آزادی بخش ۱۹۷۱ به حاشیه رانده شده بودند به تدریج نفوذ خود را بازیافتند. برخی از آنها دست به اقدامات خشونت بار زده‌اند. ترور شخصیت‌های خداناباور و ترقی خواه ،که طی این سال‌ها تعدادشان افزایش یافته‌است و سپس سوءقصد داکا در این تابستان، نخست وزیر شیخ حسینه را متوجه مسئولیت‌هایش کرد.

تا قبل از این، خشونت‌های اسلام گرایان تندرو به ترورهای هدفمند محدود می‌شد، اما تیراندازی اول ژوئیه ۲۰۱۶ در رستورانی در شهر داکا که بیش از بیست کشته برجای گذاشت، سوالاتی را درباره‌ء آینده‌ء بنگلادش به وجودآورد. این تیراندازی ارتباط عاملانش را که، از طبقات متوسط تحصیل کرده‌ء جامعه بودند، با تشکیلات دولت اسلامی آشکار نمود که بلافاصله مسئولیت این عملیات را برعهده گرفت، آشکار نمود. بنگلادش با ۱۶۹ میلیون نفر جمعیت که میانگین سنی‌شان ۲۵ سال است و ۸۹ درصدشان مسلمان هستند؛ در حال گذر هم‌زمان از بحرانی هویتی و سیاسی است که هر دو عمیقا با یکدیگر مرتبط هستند. اولین بحران، به رابطه‌ء میان اسلام و حکومت و هم‌چنین به شکاف‌های به جای مانده از جنگ آزادی بخش بنگلادش در ۱۹۷۱ برمی‌گردد. دومین بحران ریشه در رویارویی خصمانه حزب ملی‌گرای بنگلادش (BNP)، حزب جماعت اسلامی(Jamaat-e-Islami) و حزب عوامی لیگ (Ligue Awami)، حزبی که نخست وزیر شیخ حسینه از آن برخاسته است، دارد. شیخ حسینه برای مقابله با مخالفان سیاسی‌اش ، مبارزه علیه اسلام‌گرایی را به کار می‌گیرد.

در سال ۱۹۴۷ (در پایان مقاله تاریخچه‌ء کوتاهی از کشور بنگلادش آورده شده است.) تجزیه‌ء امپراتوری مستعمراتی سابق هند باعث به وجود آمدن دو کشور هند و پاکستان دو قطبی شد. قسمت شرقی پاکستان خیلی زود متوجه شد از سوی قدرت مرکزی مستقر در پاکستان غربی،۱۶۰۰ کیلومتر در غرب، نادیده گرفته می‌شود. هنگامی که طرفداران استقلال بزرگ در پاکستان شرقی در سال ۱۹۷۰ در انتخابات مجلس پیروز شدند، رهبران اسلام آباد سعی کردند از به قدرت رسیدن آنها جلوگیری کنند. نیروهای پاکستانی برای سرکوب حزب عوامی لیگ که متعلق به مجیب الرحمن بود، به «رضاکارها» تکیه می‌کردند، شبه نظامیان محلی که بسیاری از اعضایشان را از میان گروه‌های نزدیک به حزب اسلام‌گرای جماعت اسلامی جذب می‌کردند. مبارزات نظامی، کشتارهای دسته جمعی، حذف روشنفکران و تجاوزات سازمان دهی شده‌ء رضاکارها و هم دستانشان، صد هزار قربانی و موجی از پناهندگان را پدید آورد (۱). دخالت ارتش هند موجب پیروزی جدایی طلب‌ها و به وجود آمدن کشور بنگلادش در دسامبر ۱۹۷۱ شد.

مجیب الرحمن، پدر ملت، که نخست وزیر یک نظام دموکراتیک سکولاریست (نفی کننده حضور مذهب در دستگاه دولتی) و دوستدار سوسیالیسم بود، در سال ۱۹۷۵، به هنگام کودتای نظامی که ژنرال ضیاء الرحمن را به قدرت نشاند کشته شد. ضیاء الرحمن، موسس حزب (BNP) که به ملی گرایی و هویت دینی کشور تکیه کرده بود، بنوبه‌ء خود در سال ۱۹۸۱ در کودتایی که افسران به راه انداخته بودند کشته شد.

جنگجویان بازگشته از افغانستان پس از فراز و نشیب‌های بسیار، صحنه‌ء سیاسی بنگلادش با وجود تعداد زیادی از احزاب، پیرامون دو قدرت اصلی سازمان دهی شده‌است که از دهه‌ء نود «بانوان آهنین» آنها را رهبری می‌کنند. در راس حزب (BNP) بیوه‌ء ژنرال ضیاء الرحمن، خانم خالده ضیاء قرار دارد که دو بار نخست وزیر شده است و در راس حزب عوامی لیگ خانم شیخ حسینه، دختر مجیب الرحمن، قرار دارد که از سال ۲۰۰۹ نخست وزیر است، او پیش از این هم از ۱۹۶۶ تا ۲۰۰۱ نخست وزیر بوده است. حزب جماعت اسلامی پس از استقلال از فعالیت منع شد، چرا که در جنگ آزادی بخش با دشمن همکاری کرده بود. اما به تدریج با کمک نظامیان نزدیک به حزب (BNP) دوباره وارد صحنه‌ء سیاسی شد و در ائتلاف‌های انتخاباتی متعدد با این حزب شرکت جست بدین ترتیب در دستگاه دولتی حضور پیدا کرد.

در سال ۱۹۷۲، قانون اساسی کشور بر پایه‌ء چهار اصل شکل گرفت: ملی‌گرایی، سوسیالیسم، دموکراسی و سکولاریسم. اصطلاح «سکولاریسم» در سال ۱۹۷۷ ناپدید و در سال ۱۹۸۸، اسلام دین رسمی کشور شد. در سال ۲۰۱۱ دیوان عالی دوباره سکولاریسم را برقرار کرد اما خانم شیخ حسینه جسارت آن‌که دوباره رابطه‌ء اسلام و حکومت را زیر سوال ببرد نداشت- تناقضی که ریشه در نگرانی درباره‌ء توافق‌های سیاسی شد. تنش میان دو حزب بزرگ و سرکوب مخالفانی که برای اعتصاب سراسری فراخوان می‌دادند، حزب (BNP) را به سمت تحریم انتخابات ۲۰۱۴ سوق داد. از آن پس پیروزی از آن حزب عوامی لیگ شد، پس از جنگی که نزدیک به صد و پنجاه کشته بر جای گذاشت.

علی رغم این خشونت‌های سیاسی، مقامات بنگلادشی همواره تصویر کشوری «مسلمان میانه‌رو و دموکرات» را به نمایش می‌گذارند. هدف این استراتژی جلب کمک‌های بین المللی و سرمایه‌گذاران خارجی است. شماری از شاخص‌های اجتماعی بهبود یافته است. به طور مثال، مرگ و میر کودکان از ۱۰۰ درصد در سال ۱۹۹۰ به ۳۳ درصد در سال ۲۰۱۲ رسید. امید به زندگی به ۷۲ سال افزایش یافت، این شاخص در هند ۶۸ سال است(۲). میزان فقر بسیار کاهش یافته است، با این‌که همچنان نزدیک به یک چهارم جمعیت فقیر هستند. هنوز هم مشکلاتی جدی پابرجا هستند: سوءتغذیه در برخی از مناطق، کمبود شغل و تحصیل، دستمزد بسیار کم زنان (۳). یک دهه است که رشد اقتصادی از سالی ۶ درصد گذشته است. بنگلادش به دومین صادرکننده‌ء جهانی لباس (بعد از چین) تبدیل شده است. با وجود این، تراژدی رانا پلازا، ساختمان کارگاه‌های سری دوزی که فروریختنش در داکا در سال ۲۰۱۳ بیش از هزار کشته بر جای گذاشت، نشان داد که «کارگران محکوم به اعمال شاقه صنعت نساجی» چه قیمتی پرداخت می‌کنند تا کشورشان مارک‌های بزرگ بین المللی و پیمانکارانشان را جذب کند(۴). هم‌چنین این جستجوی سرمایه‌گذاری های خارجی بیان‌کننده‌ء انکار دولت‌های متوالی در مورد افزایش اسلام‌گرایی خشونت باریست که از سال‌های دهه‌ء نود شروع شده است. حزب جماعت اسلامی و جریان دانشجویی اش به «انقلاب خاموش» امید دارند، یعنی اسلامی کردن نهادها با نفوذ در آنها تا آنکه بتوان جامعه را از رده‌های بالای آن تغییر داد. اما بسیاری از اعضای قدیمی این حزب به تشکل‌هایی بسیار تندروتر پیوستندکه اهداف متعددی را نشانه می‌گیرند: روشنفکران، مردان سیاسی، سازمان‌های غیر دولتی و پیروان آیین‌های مذهبی و هنرمندان مردمی(۵).

کارتون روز

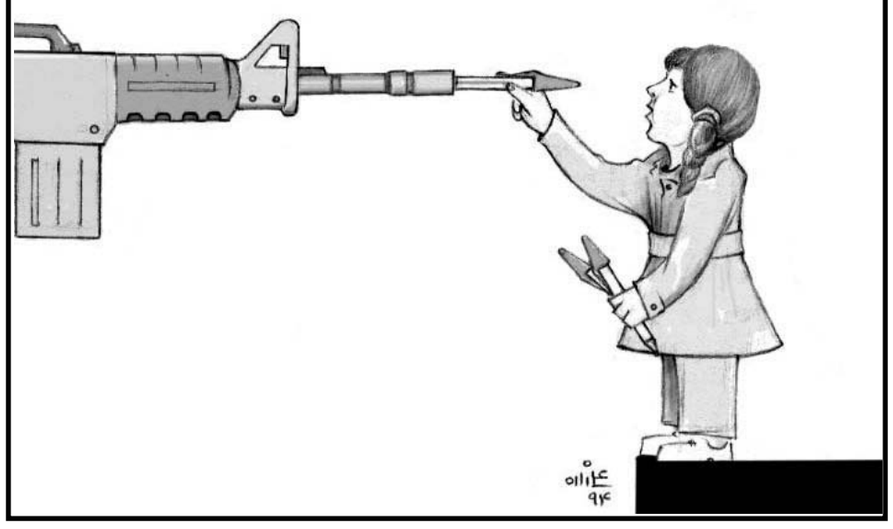

روزنامه افغانستان ما The Daily Afghanistan Ma
Daily Outlook Afghanistan The Leading Independent Newspaper

❑ بنیان گذار: داکتر حسین یاسا
❑مدیر مسوول: محمد رضا هویدا ۰۷۹۸۳۴۱۸۶۱
❑سردبیر : حفیظ الله زکی ۰۷۹۹۱۵۷۳۷۱

❑ کاریکاتوریست: خالق علی زاده

❑دیزاین:علی‌اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
❑مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

❑آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷- ۱۳۷

روزنامهٔ‌افغانستان ما از همهٔ دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.
مسئولیت مقالات به عهدهٔ نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com